



The Principle of Causation in Civil Liability of the Cause and the Direct Actor in the Legal Systems of Iran, France, and Turkey

Mohamad Setayeshpur¹, Nekounam, Sarina², Mohaddeseh Barzegarsaray³

1. Associate Professor, International Law Department, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Islamic Republic of Iran, Qom, Iran, Email: mohamadsetayeshpur@yahoo.com

2. MA, Private Law, University of Qom, Qom, Islamic Republic of Iran, Email: sarinaneekounam@yahoo.com

3. PhD Student, Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Qom, Islamic Republic of Iran, Email: brzgrm309@gmail.com

Abstract

One of the most important and complex discussions in civil liability law is the discussion of causation and determining the responsible cause. Determining the cause of loss in civil liability law is very difficult in some cases, including when multiple causes have caused the loss. The main purpose of this study is to compare and analyze the relationship between causation and civil liability of the cause and the agent in Iranian law with the cause of loss in French law. The present study, using the descriptive-analytical method, has found that if two or more causes are combined in the assumption of damage, different theories have been proposed in Iranian and French law, and their examination shows that none of the theories can alone justify civil liability in all instances. Rather, since the basis of civil liability in Iranian law is the customary citation of loss to the harmful act, in the case of the combination of several causes in the occurrence of damage, the basis of liability is also the customary citation of loss. Accordingly, if the loss is conventionally attributed to one of those causes, that cause, and in the case where damage is documented to all causes, all are recognized as responsible. In French law, no theory can be decisively governing the various issues of the relationship of causation and can only assist the judge in distinguishing causes as guiding principles. Therefore, it can be concluded that accepting the division of responsibility in the case of the participation of multiple incidental causes, which is consistent with the theory of the separability of the causal relationship, is considered a positive thing, but not considering the extent of the impact of each cause on the loss and ruling on equal responsibility can be considered inconsistent with justice.

Key Words: Civil liability, causality, cause and agent, damage factor, obligation, contract, multiple causes.

Received: 28/09/2025; **Revised:** 28/10/2025; **Accepted:** 03/12/2025; **Published online:** 12/12/2025.

How To Cite: Setayeshpur, M, Nekounam, S & Barzegarsaray, M. (2025). The Principle of Causation in Civil

Liability of the Cause and the Direct Actor in the Legal Systems of Iran, France, and Turkey. *Private Law Doctrines of Islamic Countries*, 2(3), 38-58. <http://www.diplic.qom.ac>. doi.org/10.22091/dplic.2026.14853.1072



گزاره سببیت در زمینه مسئولیت مدنی سبب و مباشر در نظام‌های حقوقی ایران، فرانسه و ترکیه

ستایش پور محمد^۱، سارینا نکونام^۲، محدثه برزگر سرای^۳

۱. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول): رایانامه: mohamadsetayeshpur@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه قم، قم، ایران، رایانامه: sarinanekounam@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران. رایانامه: brzgrm309@gmail.com

چکیده

یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین بحث‌ها در حقوق مسئولیت مدنی، بحث سببیت و تعیین سبب مسئول است. تعیین عامل زیان در حقوق مسئولیت مدنی در بعضی مواقع از جمله زمانی که اسباب متعددی باعث ورود ضرر شده باشد، بسیار مشکل است. در صورتی که فقط یک سبب به‌عنوان عامل زیان باشد، حکم به جبران خسارت وارده می‌شود، اما وقتی با اجتماع علل و اسباب مواجهه صورت می‌گیرد، نظریات متفاوتی بیان شده است. هدف اصلی تحقیق حاضر این است که ترابط سببیت و مسئولیت مدنی سبب و مباشر در حقوق ایران با عامل زیان در حقوق فرانسه تطبیق داده شود و تحلیل گردد. افزون بر این، به‌منظور غنای تحلیل تطبیقی، نظام حقوقی ترکیه به‌عنوان یکی از نظام‌های حقوقی متأثر از حقوق قاره‌ای و در عین حال متعلق به یک کشور اسلامی، به‌طور مستقل مورد بررسی قرار گرفته است تا معیارهای تبیین رابطه سببیت و شیوه تعیین عامل زیان در آن نظام حقوقی نیز واکاوی شود. جستار حاضر با کاربرت روش توصیفی تحلیلی، در یافته است که اگر دو یا چند سبب در فرض ورود خسارت جمع شوند، نظریه‌های متفاوتی در حقوق ایران و فرانسه مطرح شده است که بررسی آنان نشان می‌دهد که هیچ‌یک از نظریه‌ها نمی‌تواند به‌تنهایی توجیه‌کننده مسئولیت مدنی در همه مصادیق اجتماع اسباب باشد، بلکه از آنجایی که مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران استناد عرفی تلف به فعل زیانبار است، در صورت اجتماع چند سبب در وقوع خسارت نیز مبنای مسئولیت استناد عرفی تلف باشد و بر این اساس، اگر تلف در عرف به یکی از آن اسباب استناد داشته باشد همان سبب و در موردی که خسارت به همه اسباب مستند باشد همه مسئول شناخته می‌شوند. در حقوق فرانسه نیز هیچ نظریه‌ای نمی‌تواند به‌طور قاطع حاکم بر مسائل مختلف رابطه سببیت باشد و فقط می‌تواند به‌عنوان اصول راهنما دادرس را در تمییز سبب یاری کند. یافته‌های بخش تطبیقی مربوط به حقوق ترکیه نشان می‌دهد که این نظام حقوقی با اتکا به نظریه سببیت متعارف و تفکیک میان رابطه بیرونی و درونی مسئولیت، رویکردی هنجاری و منعطف در شناسایی عامل زیان اتخاذ کرده است. از این رو، می‌شود نتیجه گرفت که پذیرش تقسیم مسئولیت در مورد مشارکت اسباب متعدد عرضی که با نظریه قابلیت تجزیه رابطه سببیت هماهنگ است، امری مثبت قلمداد می‌گردد، اما عدم لحاظ میزان تأثیر هر یک از اسباب در زیان و حکم به تساوی مسئولیت، می‌تواند ناسازگار با عدالت دانسته شود.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، سببیت، سبب و مباشر، عامل زیان، تعهد، معاهده، تعدد اسباب.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۹/۲۱

استناد: ستایش پور، محمد، نکونام، سارینا و برزگر سرای، محدثه (۱۴۰۴). گزاره سببیت در زمینه مسئولیت مدنی سبب و مباشر در

نظام‌های حقوقی ایران، فرانسه و ترکیه، آموزه‌های حقوق خصوصی کشورهای اسلامی، ۲ (۳)، ۳۸-۵۸. <http://www.>

doi.org/10.22091/dplic.2026.14853.1072



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

در اندیشه‌های حقوق برای تعیین میزان مسئولیت اسباب متعدد راهکارها و نظریه‌های متعددی مانند مسئولیت سبب نزدیک، ضمان سبب مقدم در تأثیر، مسئولیت سبب متعارف، برابری اسباب و تعیین مسئولیت به میزان تأثیر هر یک از اسباب در ایجاد حادثه زیانبار مطرح نظر واقع شده است. در حقوق ایران راهکارهای تساوی مسئولیت، تقسیم مسئولیت به میزان تأثیر یا توزیع خسارت به تقصیر مطرح شده است. یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین بحث‌ها در حقوق مسئولیت مدنی، بحث سببیت و تعیین سبب مسئول است. تعیین عامل زیان در حقوق مسئولیت مدنی در بعضی مواقع از جمله زمانی که اسباب متعددی باعث ورود ضرر شده باشد، بسیار مشکل است. در صورتی که فقط یک سبب به‌عنوان عامل زیان باشد، حکم به جبران خسارت وارده می‌شود، اما وقتی با اجتماع علل و اسباب مواجهه صورت می‌گیرد، نظریات متفاوتی بیان شده است. هدف اصلی تحقیق حاضر این است که ترابط سببیت و مسئولیت مدنی سبب و مباشر در حقوق ایران با عامل زیان در حقوق فرانسه تطبیق داده شود و تحلیل گردد. افزون بر این، به‌منظور تکمیل و غنای تحلیل تطبیقی، نظام حقوقی ترکیه نیز به‌عنوان یکی از نظام‌های حقوقی متأثر از حقوق قاره‌ای و متعلق به یک کشور اسلامی، به‌صورت مستقل در چارچوب پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

ازاین‌رو، سؤال اصلی تحقیق پیش‌رو این است که ترابط سببیت و مسئولیت مدنی سبب و مباشر در حقوق ایران با عامل زیان در حقوق فرانسه چگونه ارزیابی می‌شود؟ فرضیه راقمان سطور حاضر این است که نظریات مربوط به سبب نزدیک، سبب متناسب و سبب مقدم در تأثیر، هر کدام به فراخور شرایط می‌تواند در رسیدن به عدالت به دادرس کمک کند. در پژوهش پیش‌رو به‌منظور راستی‌آزمایی فرضیه مطروح، به فراخور موضوع، روش توصیفی تحلیلی به‌کار رفته است و اطلاعات با روش کتابخانه‌ای از طریق مراجعه به کتاب‌ها، مقاله‌ها و تارنماهای مربوطه گردآوری شده‌اند.

۱. چارچوب مفهومی

۱-۱. مفهوم اتلاف و تسبیب

اتلاف یعنی شخصی مال غیر را شخصاً (بالمباشره) و به‌طور مستقیم تلف کند که در این صورت ضامن مثل یا قیمت یا ضامن ارش ناشی از نقص یا عیب است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۶۶). نزدیک به همین مفهوم را ماده ۱۳۸۳ ق.م. فرانسه بیان می‌کند. طبق ماده ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه: «هرکس مسئول خسارتی است که نه‌تنها بر اثر ارتکاب تقصیر بلکه به علت سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی خود آن را ایجاد نموده است» (پاتریس، ۱۳۸۲: ۲۹۶).

تسبیب عبارت است از ایراد خسارت به دیگری به‌طور غیرمستقیم و از طریق ایجاد سبب (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۶۳). به بیان دیگر وقتی شخصی با واسطه و غیرمستقیم سبب تلف مالی شود، در اموال

مثلی مثل و در اموال قیمی قیمت آن را باید بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت برآید (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۶۸). برخی می‌گویند: تسبیب عبارت از عملی است که تلف به سبب آن صورت می‌گیرد، مانند انداختن اشیای لغزنده در جاده‌ها که موجب به زمین خوردن و مصدوم شدن عابران می‌گردد (جواهرالکلام، ۳۷/۴۶؛ شرایع الاسلام، ۳ و ۳۴/۷۶؛ به نقل از: چهکندی، ۱۳۸۸: ۲). در فرق بین اتلاف و تسبیب گفته‌اند:

الف. در اتلاف، متلف به‌طور مستقیم و به مباشرت مال را تلف می‌کند؛ یعنی رابطه علیت مستقیم میان کار مباشر تلف و ضرر وجود دارد. مانند انداختن لیوان و شکستن آن یا آتش افکندن در خانه همسایه یا تیر انداختن به سوی اسب، ولی در تسبیب ایراد به‌طور غیرمستقیم و از طریق ایجاد سبب است. به بیان دیگر در تسبیب شخص مباشر تلف نیست، بلکه مقدمات و زمینه تلف را آماده می‌کند، به نحوی که اگر آن عمل را مرتکب نمی‌شد تلف نیز رخ نمی‌داد. پس سبب شرط وقوع تلف است (کاتوزیانو دیگران، ۱۳۹۱: ۲۶۷-۲۶۸):

ب. در اتلاف تقصیر شرط نیست. لذا خواه از روی عمد باشد یا بدون عمد و بدون تقصیر باشد، متلف ضامن است. اما برخلاف اتلاف، تسبیب در صورتی ضامن‌آور است که در نظر او تجاوز و عدوان باشد. پس تقصیر از شرایط آن است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۶۸):

ج. اتلاف همیشه با فعل مثبت واقع می‌شود اما تسبیب ممکن است ناشی از فعل یا ترک فعل باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۸۵).

اتلاف گاه به مباشرت و گاه به تسبیب است و مراد از مباشرت، ایجاد علت تلف است، مانند سوزاندن و مراد از تسبیب، ایجاد امری است که به واسطه آن تلف حاصل می‌شود، اما تلف با علت دیگری رخ می‌دهد، مشروط به اینکه سبب از این جهت قصد شده باشد که انتظار آن علت برود؛ یعنی سبب می‌داند که علت تلف نیز رخ خواهد داد و سبب با علت زمینه تلف کردن مال را فراهم می‌سازد.

ما نص شرعی در مورد مباشرت و تسبیب و تقدم یکی از آنها نداریم و معیار، صدق عرفی متلف است و مباشرت و تسبیب خصوصیتی ندارد. گاه عنوان متلف عرفی بر مباشر صدق می‌کند و گاه بر هر دو و گاه نیز فقط بر سبب صادق است (الحسینی المراغی، ۱۳۸۸: ۳۶۱-۳۶۳-۳۶۵؛ به نقل از: عابدی، ۱۳۹۲: ۵). بنابراین در فقه اسلامی قاعده ضامن مباشر در اجتماع سبب و مباشر تکیه بر عقل و سیره عقلا و عرف دارد. از دیدگاه عقل، تنها در حالتی که سبب و مباشر هر دو عامد باشند، می‌توان قاطعانه حکم نمود که مباشر ضامن است (طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۱۴۲۳، ۱۴، به نقل از: قیاسی، ۱۳۸۶: ۸۶). یکی از فقیهان امامیه در این زمینه می‌نویسد: «اینکه در اتلاف قصد شرط است یا نه، علم اتلاف کننده به ضرری که وارد

می‌کند شرط است یا نه و امثال آن‌ها چندان مفید فایده نیست، ملاک و معیار امکان انتساب عرفی زیان به سبب است» (آل کاشف الغطا، تحریر المجله، ۱۴۱؛ به نقل از: حاجی نوری، ۱۳۸۹: ۸۷).

۲-۱. مفهوم سبب و مباشر

سبب در معنای لغوی و در ابتدا به ریسمانی گفته می‌شد که توسط آن به آب دست می‌یافتند. سپس به هر نوع وسیله‌ای که در حصول مقصود مؤثر بود سبب اطلاق گردید.

سبب، به معنای علت تامه نیست و سبب جزئی از اجزای علت تامه است. همچنین سبب در اصطلاح فقهی به اموری گفته می‌شود که شرع بین آن‌ها و امور دیگر رابطه وجودی و عدمی برقرار نموده، به طوری که از وجود سبب تحقق مسبب و از عدم آن فقدان مسبب حاصل می‌آید (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۸؛ به نقل از: عابدی، ۱۳۹۲: ۴). برخی معتقدند میان سبب و مسبب فقط ملازمه وجودی است، اما بین علت و معلول هم ملازمه وجودی و هم ملازمه عدمی حاکم است (شهیدی، ۱۳۸۶: ۱۷-۱۸).

برخی حقوق‌دانان نیز اظهار داشته‌اند که علت تامه مرکب از شرایط و مقتضی و عدم مانع است، به نحوی که با وجود علت تامه، معلول ناگزیر ایجاد می‌شود. مقتضی بخشی از علت تامه است که در صورت نبودن مانع به علت تامه تبدیل می‌شود. سبب از مقتضی ضعیف‌تر است و برای آنکه تأثیر کند، علاوه بر فقدان مانع به وجود شرط نیاز دارد. شرط هم آن چیزی است که فقط در پیدایش چیز دیگر دخالت دارد. به بیان دیگر، میان شرط و مشروط ملازمه عدمی وجود دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۹: ۷۵-۷۷؛ به نقل از: عابدی، ۱۳۹۲: ۴).

برخی می‌گویند: سبب چیزی است که از وجود آن وجود مسبب لازم نمی‌آید، وگرنه علت تامه یا جزء اخیر علت تامه خواهد بود، لیکن از عدم آن، عدم مسبب یا خسارت لازم می‌آید (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵: ۵۳؛ بجنوردی، ۱۳۹۱: ۱۱۹؛ به نقل از: هاشمی، ۱۳۹۲: ۳). در تعریف سبب و مباشر گفته شده: «هرگاه دو یا چند نفر موجب ورود خسارت به دیگری شوند، آنکه بین عمل او و خسارت حاصله واسطه‌ای نیست، او را مباشر گویند و دیگری یا دیگر آنکه بین عمل او و خسارت، عمل مباشر واسطه شده است، سبب نامیده می‌شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۵۲؛ به نقل از: امینی و عنایت تبار، ۱۳۹۶: ۲). دکتر کاتوزیان، پس از بیان اینکه بین سبب و زیان ملازمه عرفی وجود دارد، سبب را این‌گونه تعریف می‌کنند: «سبب عاملی است که هم در ایجاد حادثه زیانبار دخالت دارد و هم شرط ضروری آن است؛ مگر اینکه اهمیت دخالت آن در ایجاد حادثه چندان قوی و مهم باشد که بتوان گفت به تنهایی و قطع نظر از سایر عوامل، ضرر را ایجاد کرده است» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۳۹).

۳. اجتماع سبب و مباشر

اجتماع سبب و مباشر ناظر به حالت طولی اجتماع اسباب مؤثر است نه حالت عرضی. اجتماع اسباب را نباید با اجتماع سبب و مباشر مخلوط کرد. در فرض نخست اسباب گوناگون رابطه عرفی خود را با نتیجه حفظ کرده، چندانکه نمی‌توان یکی از آن‌ها را مقدمه ایجاد سبب شمرد. ولی در فرض دوم، فعل مباشر میان سبب و ایجاد ضرر مانعی به وجود آورده که آن رابطه مستقیم را قطع کرده است، به‌گونه‌ای که باید آن را سبب علت ورود ضرر یا شرط تأثیر آن به شمار آورد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۵۲).

در توجیه مسئولیت مباشر گفته شده است: «عقلاً و نقلاً اسناد فعل به علت نزدیک و نه علت بعیدی که سبب است، معلوم و آشکار است و شکی نیست که مباشر نزدیک‌تر از سبب است، بلکه در واقع از وسایل مباشر، در مباشرت است (نجفی، ۱۳۷۴: ۵۴؛ به نقل از: عالم زاده، ۱۳۸۷: ۱۴۱). اکثریت قضات دادگستری تهران در نشست قضایی ۱۳۷۷/۱۱/۷ در مورد معیار اقوی بودن سبب و مباشر بیان کرده‌اند که در صورت اجتماع سبب و مباشر، مسئولیت متوجه مباشر است، مگر اینکه سبب اقوی باشد که در این صورت سبب مسئول است. تشخیص قوی بودن سبب امری عرفی است و اگر عرفاً نتوان موضوع را تشخیص داد، نظریه کارشناس تحصیل می‌شود. هرگاه مطابق نظریه کارشناس، درصد تقصیر سبب در وقوع جنایت بیشتر از مباشر باشد سبب مسئول است (قیاسی، ۱۳۸۶: ۸۵).

در هر حال طبق ماده ۳۳۲ قانون مدنی: «هرگاه یک نفر سبب تلف مال را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن شود، مباشر مسئول است نه سبب، مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.» پس در صورتی که نحوه دخالت مباشر و مسبب در نظر عرف یکسان باشد، طبق ظاهر این ماده باید مباشر را مسئول شناخت. اما به نظر می‌رسد که باید هر دو را مسئول شمرد، به‌ویژه در جایی که هر دو قصد اتلاف دارند. همچنین اگر در حالت ویژه‌ای عرف دخالت مسبب را مؤثرتر بداند باید مسبب را مسئول شناخت، مانند غرور و اکراه که از عوامل اقوی بودن سبب می‌باشند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۳۱-۲۶۹).

۴. تعدد اسباب

در اجتماع اسباب مؤثر، دو حالت عرضی و طولی متصور است. در حالت عرضی همه اسباب مؤثر در زیان وارد شده، به‌طور هم‌زمان و در عرض یکدیگر عمل می‌کنند و عامل دوری و نزدیکی در آن متصور نیست و نمی‌توان سبب اول را از سبب آخر تمییز داد. اما در حالت طولی هرکدام از اسباب مؤثر در ضمان شرایط و مقدمات لازم را به وجود می‌آورند و در انتهای سلسله عوامل با تحقق آخرین سبب زیان محقق می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۹۰؛ به نقل از: صالحی و صفایی و عباسلو، ۱۳۹۵: ۲۹-۳۳). در فرضی که چند سبب با هم جمع شده و تعدد اسباب طولی باشد، چند نظریه وجود دارد:

۴-۱. نظریه‌ها

۴-۱-۱. نظریه برابری اسباب و شرایط

یعنی همه اسباب و شرایطی که در وقوع زیان دخالت داشته‌اند به تساوی مسئولند. به بیان دیگر هر عملی را که بدون آن خسارت پدید نمی‌آید، می‌توان سبب خسارت نامید و در این صورت زیان دیده می‌تواند جبران همه خسارت را از هر یک از کسانی که در ایراد آن دخالت داشته‌اند، مطالبه کند و آنان در برابر زیان دیده مسئولیت تضامنی دارند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۹۵). این دیدگاه از سوی برخی فقهای امامیه در اجتماع سبب و مباشر ارائه شده، به گونه‌ای که گفته‌اند در صورتی که شخصی دری را باز بگذارد و دیگری مال را بدزدد، هر دو ضامن‌اند و مالک می‌تواند به هر یک از آن‌ها که بخواهد رجوع کند (حائری ۱۴۱۶، ج ۱۴: ۲۰؛ به نقل از: رستمی و کند سری، ۱۳۹۵: ۱۵۶).

این نظریه ابتدا به وسیله حقوق دان آلمانی به نام ماکسیمیلیان فون بوری ساخته و پرداخته شد و سپس در فرانسه توسط مارتو ارائه شد (Determination des causes du dommage Jourdain, 2001: 13؛ به نقل از: حاجی نوری، ۱۳۸۹: ۶۶). از دیدگاه این نظریه همه شرایط ضروری، اسباب حادثه هستند. ایجاد یک ضرر ناشی از جمع توده‌ای از عوامل است که به هنگام ایجاد ضرر، وجود آن‌ها اجتناب‌ناپذیر باشد. انتخاب برخی از این عوامل موجه نیست، زیرا هرگاه یکی از عوامل یاد شده نباشد، حادثه نیز ایجاد نمی‌شود (Mazeaud, Ibid, 531; viney condition, 160).

طرفداران نظریه برابری اسباب، به دلیل انتقادات وارده، بخشی از عوامل را نادیده می‌گیرند. چنین عواملی در اصطلاح عوامل غیرمرتبط نامیده می‌شود که اگرچه حادثه بدون آن‌ها محقق نمی‌گردد، مورد توجه قرار نمی‌گیرند. به عنوان مثال در مورد سقط جنین، آبستن بودن مادر جزء اسباب حادثه شمرده نمی‌شود، هرچند که بدون آن حادثه محقق نمی‌گردد. در تفسیر چنین عواملی برخی از حقوق دانان فرانسوی «آن را شرایطی برای ظهور برخی ویژگی‌های مشخص کننده خسارت می‌نامند» که در حدوث آن تعیین کننده نبوده است. طرفداران نظریه برابری اسباب آن را نظریه‌ای می‌دانند که اعمال آن ساده و روشن است. در این دیدگاه احراز رابطه میان فعل و حادثه کافی است، اما عامل حادثه تا چه اندازه در بروز حادثه نقش داشته و یا اینکه سهم آن در ایجاد ضرر تا چه میزان بوده است، مورد توجه نیست. در واقع حجم و میزان فعالیت و تأثیر آن در ضرر هیچ اهمیتی ندارد، زیرا تنها مبنا در اینکه عاملی سبب زیان باشد یا نه، آن است که آیا در بروز حادثه نقش دارد یا نه؟ (viney, Ibid, 160; jourdain Ibid, 13؛ به نقل از: حاجی نوری، ۱۳۸۹: ۶۶-۶۷).

در حقوق ایران و به اعتقاد برخی استادان حقوق «مفاد ماده ۳۳۵ قانون مدنی در مورد تصادم دو کشتی یا دو قطار راه‌آهن یا دو اتومبیل در فرضی که هر دو طرف تقصیر دارند، بدون توجه به شدت و ضعف خطاها، هر دو را مسئول می‌داند و در پی یافتن سبب اصلی نیست، به برابری اسباب تمایل دارد» (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ۴۶۴؛ به نقل از: حاجی نوری، ۱۳۸۹: ۷۹). در نقد این نظریه گفته شده: این نظریه دادرس را ناچار می‌سازد

تا در هر دعوا تمام اسباب و شرایط دور و نزدیک را در نظر آورد و در راهی گام نهد که پایانی ندارد. همچنین همه اسباب و شرایط در ورود ضرر سهم برابر ندارد، برخی از حادثه‌ها تنها زمینه‌ساز است و هیچ رابطه علیت عرفی بین آن‌ها و تحمل ضرر وجود ندارد، در حالی که میان برخی دیگر با نتیجه زیانبار چنین نسبتی به چشم می‌خورد، چندان‌که برحسب جریان طبیعی و متعارف امور، آن نتیجه را به دنبال دارد. برای مثال کسی آتش سیگار خود را بی‌اعتنا به آنچه در اطراف اوست به زمین می‌اندازد و زمین در اثر عبور گاری‌های کشاورزان پر از کاه است، حریقی رخ می‌دهد و کلبه‌های کشاورزان می‌سوزد. در این حادثه، پرتاب ته سیگار و عبور گاری‌ها و خشک بودن کاه و بسیاری عوامل دیگر مؤثر بوده است، ولی همه را نمی‌توان برابر انگاشت (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۸۶).

۲-۱-۴. نظریه سبب نزدیک و بی‌واسطه

این نظریه که بیشتر در کامن‌لا و به‌ویژه حقوق آمریکا مطرح شده است، بیشتر خمیرمایه خود را از نظریه‌های دیگر گرفته است، رئیس دیوان کشور وقت آمریکا به نام «باکن» می‌گوید: در حقوق، سبب نزدیک مورد توجه است و نه دور. بر اساس این نظریه تنها شرایطی که نسبت به صدمه مستقیم و نزدیک تلقی می‌شود، به‌عنوان سبب حقوقی شناخته می‌شوند. مقصود طراحان نظریه از نزدیک بودن شرط به صدمه، نزدیکی زمانی است نه مکانی، البته نزدیکی زمانی عرفی مورد نظر است و نه نزدیکی زمانی دقیق فلسفی. همچنین مرتکب وقتی مسئول است که مقصر باشد (prosser, the Law of torts Braziers street on trots, 247-237؛ نقل از: حاجی نوری، ۱۳۸۹: ۷۸).

طبق این نظریه، در میان عواملی که در ایراد ضرر دخالت داشته‌اند، تنها نزدیک‌ترین عامل به پدیده خسارت از لحاظ زمان باید در نظر گرفته شود، پس خسارت را باید به نزدیک‌ترین سبب نسبت داد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۹۵). بنابراین در این نظریه، تنها نزدیک‌ترین و آخرین سبب مسئول قرار می‌گیرد و اسباب دورتر فراموش می‌شود. در توجیه این نظر، گذشته از سادگی کار دادرس گفته شده است که پیش از آخرین حادثه همه چیز حالت طبیعی و عادی خود را دارد، ولی آخرین آن‌ها وضع را دگرگون می‌سازد و ضرر را ایجاد می‌کند. باید افزود که «سبب نزدیک» عنوانی است که گاه برای بیان «سبب مؤثر» یا «سبب متعارف» نیز به‌کار می‌رود و نشانه سببی است که دادگاه به‌عنوان مسئول از میان حوادث گوناگون مؤثر در واقعه زیانبار برگزیده است.

باید پذیرفت که در بیشتر موارد نزدیک‌ترین سبب‌ها، مؤثرترین آن‌ها نیز هست، ولی گاه نیز سبب قوی‌تر دورتر است و بی‌اعتنایی بدان نتایج غیرعادلانه و نامطلوبی به بار می‌آورد. برای مثال، هرگاه ماشینی از سمت چپ جاده در حرکت باشد سپس رهگذری یکباره به خیابان برود و با ماشین برخورد کند، هیچ‌کس نمی‌تواند رهگذر را که مرتکب آخرین تقصیر شده است، مسئول بداند و راننده متخلف را مصون از تعرض بشناسد.

پس به جای نزدیکی و دوری سبب، دادرس باید به درجه تأثیر عواملی که در ایجاد حادثه مؤثر بوده است، توجه کند. قانون مدنی نیز در ماده ۳۳۲، با اینکه مباشر تلف نزدیک‌ترین سبب آن است، موردی که سبب دورتر اقوی باشد، عامل ایجاد آن را مسئول می‌شمرد و داوری این مسئله را به عرف وامی‌گذارد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۸۷).

۳-۱-۴. نظریه سبب متعارف و اصلی (تئوری علیت متناسب)

یعنی فقط حادثه‌ای سبب محسوب می‌شود که به‌طور متعارف و سیر عادی امور منجر به ورود ضرر شود، لیکن شرایطی که بر حسب اتفاق و استثنائات موجب ضرر شود، سبب تلقی نمی‌شود. به عبارت دیگر به موجب این نظریه، باید بین سبب ورود ضرر و شرایطی که زمینه را برای تأثیر سبب فراهم آورده است، تفاوت گذارد. تمام حوادث و شرایطی را که در وقوع ضرر دخالت داشته است نباید در زمره اسباب آن آورد. حادثه‌ای سبب است که به‌طور متعارف و سیر عادی امور، منجر به ورود ضرر شود. ولی شرایطی که گاه بر حسب اتفاق و در نتیجه اوضاع و احوال استثنایی باعث ایجاد ضرر می‌شود، سبب آن محسوب نمی‌شود. بدین ترتیب، هرکس مسئول جبران زیان‌هایی است که به حکم عادت و معمول از تقصیر او ناشی می‌شود، لیکن درباره نتایجی که در اثر پیشامدهای غیرعادی ایجاد شده است، مسئولیتی ندارد. لذا مقصر تنها مسئول حوادثی است که در نظر عرف قابل پیش‌بینی باشد. برای مثال، اگر در نتیجه تصادم دو قطار مسافری که دچار بیماری قلبی بوده است بمیرد، خطاکار مسئول مرگ او نیست. همچنین اگر کفاشی در تعمیر کفش تاجری کاهلی کند و در نتیجه تأخیر او تاجر نتواند به موقع برای امضای قرارداد تجارتي حاضر شود یا در مناقصه شرکت کند، کفاش را نباید مسئول زیان ناشی از آن دانست.

مبانی این نظریه، به‌ویژه متمایز کردن سبب خسارت از شرایط ایجاد آن، منطقی به نظر می‌رسد، ولی درباره این نتایج آن تردید شده است برای نمونه، چرا باید قابلیت پیش‌بینی ضرر در ایجاد مسئولیت مؤثر باشد؟ در رد این نظر گفته شده است که انصاف حکم می‌کند که در مثال‌های یاد شده مسئولیتی به وجود نیاید، ولی نه تنها انصاف همیشه چنین حکم نمی‌کند، لزوم پیش‌بینی ضرر را با هیچ قاعده حقوقی نمی‌توان توجیه کرد. به علاوه عوامل ایجاد کننده ضرر، گاه چنان پیچیده و مبهم است که تمیز سبب متعارف و اصلی از سایر شرایط اتفاقی باز شناخته نمی‌شود و همین امر سبب می‌شود که دادگاه‌ها نتوانند روش ثابتی در برابر حوادث مشابه در پیش گیرند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۸۸-۸۹).

بر اساس این نظریه، تمام شرایط علت ضروری حادثه نیست، بلکه صرفاً شرایطی، شرط ضروری است که به گونه متعارف، خسارات از این نوع را ایجاد می‌کنند. در واقع فرق عمده این نظریه با نظریه برابری اسباب آن است که در نظریه اخیر، روابط منطقی و علمی بیشتر توجه می‌شود در صورتی که در نظریه سبب متناسب غلبه با علم حقوق است. نظریه سبب متناسب در کشور فرانسه پیش از کشورهای خارج مورد اقبال قرار گرفته

است (jacob et Le Tourneau, la Responsibilite civile, T.1 starck, Obligations, 744; viney Ibid: 167؛ به نقل از: حاجی نوری، ۱۳۸۹: ۷۹-۸۰).

از دیدگاه این نظریه از میان شرایط زیان، آن‌هایی را باید به‌عنوان علت شناخت که با بروز آن‌ها امکان نوعی بروز حادثه وجود دارد، طرفداران این نظریه آن را «نظریه قابلیت پیش‌بینی» نامیده‌اند. با تأکید به این نگرش که با چنین مفهومی، باید مرتکب به شکل نوعی مورد توجه باشد و نه به گونه‌ی شکلی. به تعبیر دیگر، در تشخیص قابلیت پیش‌بینی به قصد مرتکب توجه نداریم و بلکه باید دید نوع افراد چنین تلقی‌ای از فعل مرتکب دارند یا نه؟ (Viney, ibid: 167؛ به نقل از: حاجی نوری، ۱۳۸۹: ۸۰).

رویه قضایی فرانسه پس از آنکه سال‌ها متمایل به قبول نظریه برابری سبب‌ها بوده، از چندی پیش غالباً به نظریه سببیت مناسب یا متعارف گرایش یافته است. بر این اساس بعضی از آراء از مسئول شناختن مالک اتومبیل که در آن را باز گذارده و اتومبیل به سرقت رفته و سارق با آن زبانی به دیگری وارد کرده خودداری نموده‌اند، با این استدلال که رابطه سببیت بین تقصیر مالک و حادثه‌ای که دزد آفریده احراز نشده است. با وجود این، تعیین موضوع رویه قضایی فرانسه به‌طور دقیق دشوار است و آراء دیوان تمیز فرانسه به گونه‌های متفاوت تفسیر شده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۹۶).

۴-۱-۴. نظریه سبب مقدم در تأثیر

بنابر این نظریه، هرگاه دخالت چند سبب در ایراد خسارت هم‌زمان نباشد، سببی مسئول شناخته می‌شود که پیش از سبب یا اسباب دیگر تأثیر گذارده است. مثلاً هرگاه کسی در معبر عام چاهی بکند و دیگری سنگی در کنار آن بگذارد و پای عابری بر اثر برخورد با سنگ بلغزد و عابر در چاه سقوط کند کسی که سنگ را گذارده ضامن است، زیرا زودتر از سبب دیگر (کندن چاه) در ایجاد حادثه مؤثر بوده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۹۶). گروهی از فقیهان امامیه گفته‌اند، هرگاه دخالت و تأثیر چند سبب در ورود ضرر هم‌زمان نباشد، ضامن برعهده کسی است که زودتر تأثیر کرده و از این جهت مقدم بر دیگری بوده است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۸۹).

نویسندگان فقه امامیه بعد از بیان انواع اتلاف که همانا اتلاف به مباشرت و اتلاف به تسبیب باشد، معتقدند که تمامی انواع اتلاف از نوع تسبیب است. نهایت اینکه گاه سبب نزدیک به حادثه است، مانند شکستن مالی (مباشر) و گاهی اوقات سبب از حادثه دور است، همانند کندن چاه. با این وصف تمامی صورت‌های یاد شده، موجب ضمان است و معیار عبارت است از اینکه عرف صحت انتساب زیان وارد شده به فعل مرتکب را تأیید کند. بنابراین اینکه گفته می‌شود اگر سبب اقوی از مباشر باشد، سبب مسئول است. بدین جهت است که استناد زیان به مباشر ضعیف است با وجود این اگر نتوان به حکم عرفی رسید، مشهور معتقدند مسئولیت در اجتماع اسباب برعهده سبب مقدم در تأثیر است و نه مقدم در وجود. مانند مثال مشهور

چاه و سنگ (آل کاشف الغطا، تحریرالمجله، ج ۳، ۱۴۱؛ حسینی مراغه‌ای، العناوین، ج ۲، ۴۳۶؛ بجنوردی، القواعد الفقهیه ج ۲، ۴۵؛ به نقل از حاجی نوری، ۱۳۸۹: ۸۳-۸۴). در این مثال مهم نیست که ابتدا چاه حفر شده یا سنگ گذاشته شده است، آنچه در تحقق ضمان اهمیت دارد سببی است که زودتر تأثیر کرده و چون ابتدا پا به سنگ اصابت کرده، پس مسئولیت متوجه گذارنده سنگ است. در توجیه آن گفته شده است که حکم بر ضمان و سبب اول را تا تحقق سبب دوم استصحاب می‌کنیم و حکم بر مسئولیت مرتکب سبب مقدم در تأثیر داده می‌شود. به علاوه، عرف در این گونه امور ورود زیان را مستند به کاری می‌داند که زودتر در ایجاد زیان اثر کرده است و سبب دوم در حکم شرط تأثیر نخستین سبب است. به بیان دیگر سبب اول مباشر است و سبب دوم شرط تأثیر در اجتماع سبب و مباشر است.

در نقد استصحاب گفته شده است که پیش از تحقق سبب دوم یعنی افتادن در چاه هیچ اتفاقی نیفتاده و ضرری حادث نشده است که بتوان امری را استصحاب کرد و چگونه می‌توان بدون وجود ضمان، حکم بر ضمان را استصحاب کرد. از همین رو که حادثه منتسب به هر دو سبب است و زمان هر دو یکسان تلقی می‌شود و ترجیح سبب مقدم در تأثیر بلا مرجح است باید به مسئولیت مشترک هر دو سبب قائل بود (محقق رشتی، کتاب الغصب، ۱۰۹-۱۱۱؛ خوبی، تکمله‌المنهاج، ج ۲، ۳۲۰ به بعد؛ به نقل از: حاجی نوری، ۱۳۸۹: ۸۵).

در نقد استدلال دوم گفته شده که قیاس سبب مقدم در تأثیر با مباشر تلف صحیح نیست و سبب مقدم که صرفاً زمینه ضرر را فراهم کرده رابطه مستقیم با تلف ندارد. به علاوه، عرف همیشه تلف را به سبب مقدم در تأثیر منتسب نمی‌کند. به عبارت دیگر در فرضی که هر دو مرتکب قصد اتلاف مال را دارند، چگونه می‌توان ادعا کرد که حفر کننده چاه در این اقدام دخالت ندارد. همچنین، در مثالی که کارگر بی‌مبالاتی ته سیگار خود را در دریاچه آلوده به مواد سوختنی می‌افکند یا در حریم راه آهن آتش روشن می‌کند و بنزین‌های انبار شده می‌سوزد، نمی‌توان گفت کسی که دریا را به نفع آلوده یا در حریم راه آهن بنزین انبار کرده است دخالتی در آتش‌سوزی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۱؛ ۱۳۸۷: ۴۶۲-۹۰).

۲-۴. نظریه قابل قبول در حقوق ایران و فرانسه

به نظر می‌رسد که در حقوق ایران، با توجه به مواد قانونی و منطق حقوقی و فقه اسلامی، نظریه سبب متعارف یا مناسب یا اصلی قابل قبول است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۹۸). دکتر کاتوزیان ضمن پذیرش این نکته که کسی باید مسئول قرار گیرد که بین کار او و ایجاد ضرر رابطه سببیت عرفی موجود باشد بر آن‌اند که «این کاوش قاعده نمی‌پذیرد و دادرس باید در هر مورد خاص و با توجه به اوضاع و احوالی که حادثه زیانبار را احاطه کرده است داوری کند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۹۱). بنابراین دکتر کاتوزیان نیز با اشاره به سببیت عرفی در واقع به نوعی ضابطه سبب متعارف را پذیرفته‌اند.

۳-۴. تعدد اسباب عرضی

در فرض تعدد اسباب عرضی در وقوع یک حادثه زیانبار، آیا همه این اسباب سبب حادثه‌اند یا باید بین اسباب متعدد دست به انتخاب زد؟ با توجه به اینکه اسباب متعدد می‌تواند در وقوع یک حادثه زیانبار نقش داشته باشد، بحث تعدد اسباب عرضی را در ضمن چهار قسمت مطالعه خواهیم کرد:

۱-۳-۴. اجتماع اسباب متعدد عرضی بدون دخالت قوه قاهره و زیان دیده

در مورد تعدد اسباب که ورود خسارت مستند به فعل یا ترک فعل زیانبار مشترک دو یا چند نفر است، اعم از آنکه زیان دیده نیز در وقوع خسارت مشارکت داشته باشد یا نه، مسئولیت مسئولان متعدد و نحوه جبران خسارت مطرح می‌شود. در این خصوص فقها در مصادیق متعددی مانند پرتاب سنگ با منجنیق به وسیله چند نفر که منجر به قتل یکی از افرادی که به کمک یکدیگر مبادرت به پرتاب سنگ کرده‌اند، شود یا موردی که چند نفر نسبت به تخریب دیواری اقدام کنند و بر اثر تخریب دیوار یکی از آن‌ها به قتل برسد، حکم به توزیع مسئولیت به نسبت مساوی بین کلیه مسئولان کرده‌اند (نجفی، جواهرالکلام، ج ۴۳، ۷۵؛ به نقل از: صادقی، محمود و رعدی، کامبیز و عیسائی تفرشی، محمد، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۶).

از نظر فقها مبنای حکم به مسئولیت همه غاصبان در موارد ترتب ایادی متعاقب غاصبانه عموم ادله راجع به ضمان ید است که شامل غصب و تصرف غیر مأذون به وسیله هر یک از غاصبان می‌شود. به‌ویژه توجه به این موضوع که مسئولیت کامل همه غاصبان فقط نسبت به عین مغضوب برقرار است و در خصوص منافع مال مغضوب مسئولیت هر یک از غاصبان به نسبت مدت تصرف وجود دارد، هر گونه ابهامی را در خصوص اینکه مسئولیت غاصبان «تضامنی» نیست، بلکه «اقتضای قاعده علی الید است»، از بین می‌برد. پس فقها جز در مورد غصب، در سایر مصادیق ضمان قهری مسئولان متعدد، میزان مسئولیت هر یک از اسباب متعدد را بر اساس درجه تأثیر هر یک از اسباب در ایجاد زیان تعیین کرده‌اند و در موارد عدم امکان تعیین درصد تأثیر هر یک از مسئولان در ایجاد زیان مسئولیت به نسبت مساوی بین همه مسئولان متعدد تقسیم می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که در ضمان قهری، نه تنها هیچ اصل و قاعده‌ای فقهی مقتضی ایجاد مسئولیت تضامنی برای مسئولان متعدد نیست، بلکه حتی به صورت استثنایی هم مسئولیت تضامنی برای مسئولان متعدد برقرار نشده است (صادقی و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۹).

دکتر کاتوزیان حکم به برابری مسئولیت‌ها را ناشی از ایرادی می‌داند که برخی از فقها نسبت به امکان اشتغال ذمه‌های متعدد به دین واحد دارند. همچنین ایشان معتقدند تساوی مسئولیت با روح قاعده لاضرر که به جبران ضررهای ناروا تمایل دارد مخالف است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۸۹-۹۰).

۳-۴. اجتماع فعل یا تقصیر زیان دیده با عامل زیان (خواننده)

در این فرض تقصیر خواننده همراه با تقصیر زیان دیده خسارتی به بار می‌آورد؛ مثل اینکه عابری ناگهان به وسط خیابان می‌پرد و با اتومبیل که با سرعت غیرمجاز در حرکت است، تصادف می‌کند و مجروح می‌شود. در حقوق رم و کامن‌لا، طبق نظریه تقصیر مشترک، در این گونه موارد حق مطالبه خسارت به زیان دیده نمی‌دادند؛ ولی این نظریه امروزه متروک است و نظر عمومی حتی در کشورهای کامن‌لا بر تقسیم مسئولیت است. البته اگر تقصیر زیان دیده اوصاف قوه قاهره را داشته باشد و عامل منحصر به شمار آید، خواننده دعوا از مسئولیت معاف خواهد شد. نظریه تقسیم مسئولیت در فرض مذکور در حقوق ایران نیز قابل قبول است. لیکن در فرضی که متضرر سبب اصلی و منحصر خسارت به شمار آید، مانند موردی که زیان دیده در آسیب رساندن به خود امر داشته باشد، شک نیست که نمی‌توان دیگری را مسئول تلقی کرد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۲۱۳).

فقها از همان ابتدا، به هنگامی که چند سبب ظاهری در وقوع زبانی دخالت داشت، بررسی می‌کردند که عرفاً ضرر منتسب به کدام یک از اسباب ظاهری است و سبب اصلی حادثه زینبار کدام است. اگر زیان ایجاد شده را منتسب به تمام اسباب می‌دانستند، حکم به تقسیم مسئولیت می‌کردند، چنانچه آن را منتسب به یک سبب می‌دانستند، تنها او را مسئول می‌دانستند (کاظمی، ۱۳۹۱: ۸۶-۸۷). در فقه اسلامی که نظریه قابلیت انتساب عرفی پذیرفته شده و نظریه قابلیت تجزیه رابطه سببیت و در نتیجه امکان تقسیم مسئولیت اعمال می‌شود، با اعمال قاعده اقدام و قاعده تحذیر و برحسب اینکه تقصیر زیان دیده سبب منحصر زیان یا یکی از اسباب ورود زیان باشد، معافیت کامل عامل زیان یا کاهش مسئولیت او را به دنبال خواهد داشت. بنابراین در حقوق اسلام هیچ‌گاه تقصیر زیان دیده محرومیت او را از دریافت خسارت موجب نمی‌شده است (کاظمی، ۱۳۹۱: ۸۷؛ به نقل از: عابدی، ص ۱۵).

اکنون تمایل عمومی بر این است که مسئولیت بین زیان دیده و عامل ورود ضرر تقسیم شود: بدین ترتیب تمام کسانی که سهمی در ایجاد ضرر داشته‌اند، در تحمل بار مسئولیت شریک می‌شوند و تبعیض نابجایی صورت نمی‌گیرد. در حقوق ما نیز باید همین راه‌حل را تأیید کرد، زیرا موردی که زیان دیده و عامل به اشتراک باعث ورود ضرر می‌شوند، در واقع صورت خاص از فرضی است که دو نفر ضرری را با هم ایجاد کرده‌اند. با وجود این، موردی که زیان دیده در وقوع حادثه و اضرار به خود عمد دارد، اقدام او به زیان خود مانع از خسارت گرفتن از دیگری است. همچنین است موردی که عرفاً او را سبب اصلی و قوی‌تر شمارد. بنابراین در صورتی که عامل زیان در ایجاد زیان عمد داشته باشد صرف تقصیر زیان دیده تأثیری بر مسئولیت عامل زیان دارد، زیرا در تقابل عامد با مقصر اصولاً ضمان بر دوش عامد است و عرفاً انتساب زیان به عامد قوی‌تر است. برای مثال، اگر کسی مال خود را به دیوانه یا کودکی بسپارد و آن مال تلف شود، نمی‌تواند از کودک و دیوانه خسارت بگیرد، زیرا ضرر ناشی از اقدام خود اوست (کاتوزیان، ۱۳۸۷؛ ۱۳۹۱: ۵۰۱-۱۰۰).

۳-۳-۴. اجتماع تقصیر خواننده با قوه قاهره

بر مبنای نظریه سببیت کلی و عدم امکان تجزیه رابطه سببیت، عامل انسانی مسئول جبران تمام خسارت است، به علاوه بر مبنای نظریه تقصیر، حقوق تنها سببی را که مقصر باشد می‌شناسد و قوه قاهره را نادیده می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۸۲). مسئولیت کامل عامل انسانی در برخی مصداق‌های مذکور در کتب فقها مانند اینکه اگر سنگی در اثر سیل به کنار چاهی برده شود که به عدوان حفر شده است و عابری به سبب برخورد به سنگ در چاه بیفتد، مستند طرفداران عدم تأثیر قوه قاهره در کاهش مسئولیت عامل انسانی قرار گرفته است. صاحب‌جواهر می‌گوید صحیح آن است که حفر کننده مسئول باشد، زیرا عمل او عدوانی است. از این مثال، این طور استنباط شده که اثر حادثه خارجی و قوه قاهره، هنگامی که با تقصیر خواننده همراه است، نادیده گرفته می‌شود و مسئولیت تمام خسارت متوجه حفر کننده چاه است (بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ۴۲؛ نجفی، جواهرالکلام، ج ۴۳ و ۱: ۱۴۷-۴۹۲؛ به نقل از: عیسائی تفرشی، شرافت پیمان، محمدرضا و صادقی، محمود، ۱۳۸۶: ۲۱۶-۲۱۷).

البته نتیجه‌گیری فوق قابل‌خنده است، زیرا مسئولیت حفر کننده در مثال بالا از باب اسناد عرفی خسارت به حافر است و از این رو، اگر به جای قوه قاهره، شخصی در ملک خود سنگی بگذارد و دیگری در کنار آن چاهی به عدوان بکند، حافر مسئول است نه گذارنده سنگ. زیرا عرف، خسارت را به کسی که به عدوان عمل کرده منسوب می‌کند، نه به آن کس که در انجام دادن فعل مجاز بوده است. در مقابل طبق نظریه سببیت جزئی، در صورت تعدد اسباب بر حسب تأثیر هر یک از اسباب در وقوع حادثه، مقدار معینی از ضرر به هر یک از اسباب متعدد منتسب می‌شود و هر کدام تنها سبب جزئی از خسارت است نه تمام آن؛ زیرا فرض می‌شود که در صورت نبودن سایر اسباب آن سبب به تنهایی موجب ورود زیان نمی‌شد. به بیان دیگر چون هر یک از اسباب فقط در ایجاد «جزئی» از خسارت نقش دارد فقط مسئولیت همین جزء، نه مسئولیت کل خسارت، قابل انتساب به آن است. در نتیجه سببیت جزئی، مسئولیت جزئی را به دنبال دارد (عیسائی تفرشی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۰۵-۲۰۶).

گاهی قوه قاهره همراه با تقصیر خواننده سبب ایجاد خسارت است چنان که سیلاب شدیدی سدی را که با بی احتیاطی و بدون رعایت اصول فنی ساخته شده است، می‌شکند و آب به املاک مجاور راه می‌یابد و زیان‌هایی به بار می‌آورد. در این مورد، آیا سازنده سد را می‌توان مسئول کل خسارات وارده دانست یا مسئولیت باید تقسیم شود؟

طبق نظریه کلاسیک (سنتی) فرانسه در این فرض شخصی که مقصر بوده مسئول پرداخت خسارت است؛ ولی از سال ۱۹۵۱ برخی از آرای فرانسوی نظریه تقسیم مسئولیت را پذیرفتند و به دیگر سخن نظریه «سببیت جزئی» مورد قبول برخی از دادگاه‌های فرانسه قرار گرفت و بدین سان مقصر را فقط به پرداخت بخشی از خسارت محکوم می‌کردند، اما از سال ۱۹۶۹ دادگاه‌ها به نظریه سنتی بازگشتند و نظریه «سببیت جزئی»

را رها کردند. در ایراد به این نظریه گفته‌اند: هرگاه تقصیری وجود داشته باشد، خسارت منتسب به مقصر است و نباید در این مورد به قوه قاهره استناد کرد. قوه قاهره هنگامی قابل استناد است که علت منحصر ضرر باشد یا به عبارت دیگر، قوه قاهره حادثه غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل پیشگیری است و هرگاه تقصیر خواننده مؤثر در ورود خسارت باشد اصلاً شرایط قوه قاهره تحقق نخواهد یافت؛ زیرا حادثه با مراقبت و رعایت احتیاط لازم قابل پیشگیری بوده است. پس قوه قاهره با تقصیر خواننده قابل جمع نیست.

این نظر در حقوق ایران هم قابل قبول است، زیرا علاوه بر اینکه با عدالت و هدف حمایت از زیان‌دیده سازگار است، بنابر آنچه از فقه و قانون برمی‌آید هرگاه در بروز حادثه شخصی مقصر باشد خسارت به او نسبت داده می‌شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۲۱۰-۲۱۱). در مقابل دکتر کاتوزیان به استناد اینکه هر سبب در تأثیرگذاری اسباب دیگر نقش داشته و با وحدت ملاک از برخی مواد قانونی در مورد غصب و ضمانت و ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت تضامنی مسئولان متعدد را در برابر زیان‌دیده پذیرفته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ص ۴۸۵ به بعد).

۴-۳-۴. اجتماع تقصیر شخص ثالث با خواننده

هرگاه تقصیر شخص ثالث همراه با تقصیر خواننده دعوا سبب ورود خسارت باشد، ممکن است تقصیر شخص ثالث دارای شرایط قوه قاهره یعنی غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب بوده یا شرایط مزبور را نداشته باشد؛ مثلاً اتومبیلی ناگهان در مسیر اتوبوسی که با سرعت غیرمجاز در حرکت بوده قرار گیرد و بر اثر ترمز ناگهانی راننده اتوبوس سرنشینان آن آسیب می‌بینند. در این گونه موارد باید دید آیا مسئولیت قابل تقسیم است یا نه و در صورت تقسیم مسئولیت، آیا می‌توان قائل به مسئولیت تضامنی شد؟

در حقوق فرانسه در صورتی که هر دو سبب خسارت به شمار آیند، مسئولیت تضامنی را پذیرفته‌اند. البته کسی که محکوم به پرداخت کل خسارت شده است می‌تواند برای دریافت بخشی از آن به عامل دیگر رجوع نماید. در حقوق ایران نیز با توجه به اینکه هم شخص ثالث و هم خواننده دعوا در فرض ما مقصر بوده‌اند و ضرر به هر دو منتسب است و باید هر دو را مسئول تلقی کرد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۲۱۲). حتی برخی از استادان حقوق (کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ش ۲۲۲؛ به نقل از: صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۲۱۲-۲۱۳). در این مورد قائل به مسئولیت تضامنی شده‌اند، لیکن به نظر می‌رسد که مسئولیت تضامنی در حقوق ایران برخلاف اصل است و دلیل کافی بر قبول آن در این گونه موارد وجود ندارد و موارد خاصی که مسئولیت تضامنی در قانون پیش‌بینی شده، مانند غصب یا بند (ج) ماده ۱۶۵ قانون دریایی، از آنجا که خلاف اصل است، قابل تعمیم به موارد دیگر نیست. از نظر منطقی نیز هرکس باید مسئول عمل خود باشد نه عمل دیگران، مگر در مواردی که قانون به دلیل خاصی شخصی را مسئول فعل دیگران نیز قرار داده باشد. پس می‌توان گفت راه‌حلی که با اصول حقوقی ما و فقه وفق می‌دهد آن است که مسئولیت در مورد مذکور نسبی

است نه تضامنی، یعنی مسئولیت بین شخص ثالث و خواننده به نسبت تأثیر عمل آن‌ها در ایراد خسارت یا به‌طور مساوی باید تقسیم شود.

۵. گزاره سببیت در زمینه مسئولیت مدنی سبب و مباشر در حقوق ترکیه

در حقوق ترکیه، رابطه سببیت به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین مسئولیت مدنی، نقش محوری در تعیین عامل زیان و تحدید قلمرو مسئولیت ایفا می‌کند. نظام مسئولیت مدنی این کشور که از حیث ساختار و مبانی به‌طور عمیق متأثر از حقوق سوئیس است، در قانون تعهدات ترکیه مصوب (Türk Borçlar Kanunu, 2011)، تحقق مسئولیت را منوط به احراز رابطه‌ای می‌داند که به‌طور حقوقی بتوان زیان وارده را به رفتار شخص منتسب ساخت. در دکترین مسلط حقوق ترکیه تصریح شده است که حتی در صورت تحقق فعل نامشروع و ورود ضرر، بدون وجود رابطه سببیت معتبر، مسئولیت مدنی تحقق نمی‌یابد و الزام به جبران خسارت فاقد مبنای حقوقی خواهد بود (Eren, 2020: 561-599; Oğuzman & Öz, 2018: 70).

در تحلیل مفهومی سببیت، میان سببیت طبیعی و سببیت حقوقی تفکیک روشنی برقرار است. سببیت طبیعی صرفاً به پیوند واقعی و تجربی میان رفتار و نتیجه زیانبار اشاره دارد، حال آنکه سببیت حقوقی حاصل یک داوری هنجاری است که دادرس از میان مجموعه عوامل مؤثر در تحقق زیان، تنها برخی را واجد قابلیت انتساب حقوقی می‌داند. دکترین ترکیه با تأکید بر این تمایز، نظریه «سببیت مناسب یا متعارف» (uygun illiyet bağı) را به‌عنوان معیار غالب شناسایی عامل زیان پذیرفته است. مطابق این نظریه، تنها رفتاری سبب حقوقی محسوب می‌شود که بر اساس جریان عادی امور و تجربه متعارف زندگی، نوعاً قابلیت ایجاد زیان واقع‌شده را داشته باشد و نتایج کاملاً اتفاقی، استثنایی یا غیرقابل پیش‌بینی از قلمرو انتساب حقوقی خارج می‌شوند (Tekinay et al, 1993: 752-754; Eren, 2020: 566).

کارکرد اساسی نظریه سببیت متعارف در حقوق ترکیه، تحدید مسئولیت و جلوگیری از تسری نامحدود آن است. دادرس در مقام تعیین عامل زیان، مکلف است از میان اسباب متعدد، آن یا آن‌هایی را برگزیند که زیان عرفاً و به‌طور متعارف به آن‌ها منتسب می‌شود. بدین ترتیب، سببیت در حقوق ترکیه مفهومی ایستا و صرفاً فنی نیست، بلکه ابزاری هنجاری برای توزیع مسئولیت به‌شمار می‌رود. در ادبیات کلاسیک مسئولیت مدنی ترکیه تأکید شده است که اگر معیار متعارف بودن کنار گذاشته شود، دامنه مسئولیت به نتایجی گسترش می‌یابد که نه قابل پیش‌بینی است و نه با عدالت حقوقی سازگار (Tandoğan, 1981: 210; Tekinay et al, 1993: 759).

در فرض تعدد اسباب، حقوق ترکیه رویکردی انعطاف‌پذیر اتخاذ کرده و شناسایی عامل زیان را به یک سبب منحصر محدود نمی‌سازد. چنانچه چند شخص، خواه به‌صورت مشترک و خواه بر مبنای متفاوت، در تحقق یک زیان دخالت داشته باشند، قانون تعهدات ترکیه با پذیرش مسئولیت تضامنی در برابر زیان‌دیده، از

وی حمایت می‌کند. مطابق ماده ۶۱ قانون تعهدات هرگاه چند نفر موجب ورود یک زیان شوند، همگی در برابر زیان دیده مسئول شناخته می‌شوند و زیان دیده می‌تواند جبران کل خسارت را از هر یک مطالبه کند. با این حال، این مسئولیت تضامنی صرفاً ناظر به رابطه بیرونی میان مسئولان و زیان دیده است و در روابط داخلی، دادگاه مکلف است بر اساس ماده ۶۲ همان قانون، با لحاظ میزان تقصیر، شدت خطر ایجادشده و نقش واقعی هر یک از عوامل در تحقق زیان، سهم نهایی مسئولیت را میان آنان توزیع نماید (Oğuzman & Öz, 2018: 94-97; Eren, 2020: 611-614).

این تفکیک میان رابطه بیرونی و درونی نشان می‌دهد که حقوق ترکیه میان شناسایی عامل زیان در برابر زیان دیده و تعیین سهم واقعی هر عامل در ایجاد خسارت تمایز قائل است. در مرحله نخست، احراز رابطه سببیت متعارف برای انتساب مسئولیت کفایت می‌کند. اما در مرحله دوم، شدت و کیفیت دخالت هر عامل در تحقق زیان مورد ارزیابی دقیق قرار می‌گیرد. چنین سازوکاری ضمن تضمین حمایت مؤثر از زیان دیده، امکان تحقق عدالت توزیعی میان مسئولان متعدد را نیز فراهم می‌آورد و مانع از تحمیل ناعادلانه بار خسارت بر یکی از عوامل می‌شود (Tandoğan, 1981: 218; Eren, 2020: 218). از دیگر مباحث بنیادین مرتبط با سببیت در حقوق ترکیه، موضوع قطع رابطه سببیت است. مطابق دیدگاه مسلط دکترین، رابطه سببیت ممکن است در اثر تحقق عواملی خاص به گونه‌ای زایل شود که زیان دیگر قابل انتساب به رفتار اولیه نباشد. قوه قاهره، تقصیر سنگین زیان دیده و تقصیر سنگین شخص ثالث از مهم‌ترین عوامل قاطع رابطه سببیت به شمار می‌روند. در این موارد، اگر عامل خارجی به حدی غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب باشد که عرفاً نتیجه زیانبار به آن منسوب گردد، مسئولیت از عامل نخست ساقط می‌شود؛ زیرا سببیت متعارف میان رفتار اولیه و زیان گسسته تلقی می‌گردد (Deniz, 2021: 1153-1158; Eren, 2020: 579).

در جمع‌بندی می‌توان گفت حقوق ترکیه با تکیه بر نظریه سببیت متعارف، رویکردی واقع‌گرایانه و هنجاری در تعیین عامل زیان اتخاذ کرده است. این نظام نه به برابری صورتی همه اسباب تن می‌دهد و نه به حذف مکانیکی اسباب دورتر بسنده می‌کند، بلکه با اتکا به ارزیابی عرفی و پیش‌بینی‌پذیری نوعی و سنجش نقش واقعی عوامل، تعادلی معقول میان حمایت از زیان دیده و رعایت عدالت در انتساب مسئولیت برقرار می‌سازد. بدین‌سان، سببیت در حقوق ترکیه از یک رابطه صرفاً طبیعی فراتر رفته و به معیاری حقوقی برای شناسایی دقیق و منصفانه عامل زیان ارتقا یافته است (Tekinay et al, 1993: 760; Oğuzman & Öz, 2018: 101).

نتیجه‌گیری

در صورتی که دو یا چند سبب در فرض ورود خسارت جمع شوند، نظریه‌های متفاوتی در حقوق ایران و فرانسه مطرح شده که با بررسی این نظریات مشخص شد، هیچ‌کدام از نظریه‌ها نمی‌تواند به تنهایی توجیه

کننده مسئولیت مدنی در همه مصادیق اجتماع اسباب باشد. بلکه به نظر می‌رسد از آنجایی که مبنای مسئولیت مدنی در فقه و حقوق ایران استناد عرفی تلف به فعل زیانبار است، در صورت اجتماع چند سبب در وقوع خسارت نیز مبنای مسئولیت استناد عرفی تلف باشد و بر این اساس در صورتی که تلف در عرف به یکی از آن اسباب استناد داشته باشد همان سبب و در موردی که خسارت به همه اسباب مستند باشد، همه مسئول شناخته می‌شوند. در حقوق فرانسه نیز هیچ نظریه‌ای نمی‌تواند به‌طور قاطع حاکم بر مسائل مختلف رابطه سببیت باشد و فقط می‌تواند به‌عنوان اصول راهنما دادرس را در تمیز سبب یاری کند. یافته‌های حاصل از بررسی حقوق ترکیه نیز مؤید آن است که این نظام حقوقی با پذیرش نظریه سببیت متعارف و تفکیک میان رابطه بیرونی و درونی مسئولیت، به راه‌حل‌های انعطاف‌پذیر و هنجاری در تعیین عامل زیان‌گرایش دارد. نظریات مربوط به سبب نزدیک، سبب متناسب و سبب مقدم در تأثیر، هر کدام به فراخور شرایط می‌تواند در رسیدن به عدالت به دادرس کمک کند. بنابراین آنچه اهمیت دارد این است که بین فعل و ایجاد ضرر، رابطه سببیت عرفی موجود باشد، چندان که بتوان گفت بین آن دو ملازمه عرفی وجود دارد. تحمیل مسئولیت بر سبب و مباشر که صرف‌نظر از میزان تأثیر و به صرف انتساب زیان به آنان ضامن هستند، نشان می‌دهد که از یک سو ملازمه‌ای میان فتوای معتبر و مشهور نیست و از سوی دیگر لحاظ کردن انتقادات در امر قانون‌گذاری، نشان از حرکت در مسیر عقلانیت تقنینی دارد. پذیرش تقسیم مسئولیت در مورد مشارکت اسباب متعدد عرضی که با نظریه قابلیت تجزیه رابطه سببیت هماهنگ است، امری مثبت است؛ اما عدم لحاظ میزان تأثیر هر یک از اسباب در زیان و حکم به تساوی مسئولیت، ناسازگار با عدالت است.

فهرست منابع

- امینی، منصور؛ عنایت‌تبار، رشید (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی: سبب غیرمستقیم و مباشر در حقوق ایران و عامل مداخله‌گر در حقوق انگلستان»، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۹، شماره ۱.
- حاجی‌نوری، غلامرضا (۱۳۸۹). «مطالعه تطبیقی رویکردهای سببیت در مسئولیت مدنی»، مجله مطالعات معاصر حقوق تطبیقی، دوره ۱، شماره ۱.
- چهکندی، علی (۱۳۸۸). «ضمان ناشی از اجتماع مباشر و سبب و منای حقوقی آن»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۳.
- رستمی، هادی؛ شعبانی کندسری، هادی (۱۳۹۵). «احراز رابطه سببیت در فرض مداخله عوامل متعدد در جنایات و خسارات (بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری، دوره ۴، شماره ۱۵.
- صادقی، محمود؛ رعدی، کامبیز؛ عیسایی تفریسی، محمد (۱۳۸۷). «بررسی فقهی ضمان قهری مسئولان متعدد»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۲، شماره ۳.
- صالحی، سعیده؛ صفایی، سید حسین؛ عباسلو، بختیار (۱۳۹۵). «تحولات مسئولیت مدنی ناشی از فعل زینبار در تعدد اسباب در قانون مجازات اسلامی جدید (۱۳۹۲)»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی، دوره ۶، شماره ۲.
- صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۱). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: انتشارات دانشگاه شهیدی، مهدی (۱۳۸۶). شروط ضمن عقد، تهران: نشر مجد.
- عابدی، محمد (۱۳۹۲). «معمای تعدد اسباب در قانون مجازات اسلامی»، چهارمین همایش سراسری طب و قضا، شیراز.
- عالم‌زاده، محمد (۱۳۸۷). «ترکیب سبب نزدیک و سبب دور در فقه اسلام و حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۴، شماره ۳.
- عیسائی تفریسی، محمد؛ شرافت‌پیما، محمدرضا؛ صادقی، محمود (۱۳۸۶). «تأثیر همراهی قوه قاهره با تقصیر خواننده بر مسئولیت مدنی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، شماره ۴.
- قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۸۶). «تساوی سبب و مباشر در حالت تقصیر طرفین»، مجله فقه و حقوق، شماره ۱۲.
- کاظمی، محمود (۱۳۹۱). «اثر فعل زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی عامل زیان»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۷.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). وقایع حقوقی: مسئولیت مدنی، تهران: نشر انتشار.
- هاشمی، سید احمدعلی (۱۳۹۲). «اسباب متعدد در مسئولیت مدنی»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوقی، دوره ۲، شماره ۲.

References

- Aabedi, Mohamad (1392). «mo'amaaye ta'dod asbaab dar ghaanoon mojaazaat eslaami», chahaaromin hamaayesh saraasari teb va ghazaa, shiraaz. [In Persian]
- Alemzadeh, Muhammad (2008). "Combination of Proximate Cause and Remote Cause in Islam and Iran's Law", *Islamic Law & Jurisprudence Researches Journal*, vol. 4, no. 3. [In Persian]
- Amini, Mansour & Rashid Enayattabar (2018). "Comparative Study of Civil Liability: Indirect Cause and the Direct Cause in Iran Law and Intervening Factor in England Law", *Comparative Law Review*, vol. 9, no. 1, pp. 449-472. [In Persian]
- Chekandi, 'Ali (1388). «zamaan naashi az ejtemaa' mobaasher va sabab va mabnaaye hoghooghi aan», faslnaameh 'elmi-pajhooheshi 'ooloom eslaami, vol. 4, no. 13. [In Persian]
- Deniz, İsmail (2021). «İllyet Bağının Kesilmesi ve Sorumluluğa Etkisi», *İstanbul Üniversitesi Hukuk Fakültesi Mecmuası*, C. 79, S. 4.
- Deniz, İsmail (2021). «İllyet Bağının Kesilmesi ve Sorumluluğa Etkisi», *İstanbul Üniversitesi Hukuk Fakültesi Mecmuası*, C. 79, S. 4.
- Eisaei'i Tafreshi, Mohamad; Sheraafat Peymaa, Mohamdrezaa & Saadeghi, Mahmood (1386). «taasir hamrahi ghoveh ghaahereh ba taghsir khaandeh bar mas'ooliat madani», faslnaameh madres 'ooloom ensaani, vol. 11, no. 4. [In Persian]
- Eren, Fikret (2020). *Borçlar Hukuku Genel Hükümler*, 25. Baskı, Ankara: Yetkin Yayınları.
- Eren, Fikret (2020). *Borçlar Hukuku Genel Hükümler*, 25. Baskı, Ankara: Yetkin Yayınları.
- Ghiaasi, Jalaal al Din (1386). «tasaavi sabab va mobaasher dar haalat taghsir tarafein», majaleh feghh va hoghoogh, no. 12. [In Persian]
- Haashemi, Seyed Ahmad 'Ali (1392), «asbaab mot'aded dar mas'ooliat madani», faslnaameh 'elmi-pajhooheshi daanesh hoghooghi, vol. 2, no. 2. [In Persian]
- Hajinouri, Gholam Reza (2010), "A Comparative Study of Causation Approaches in Civil Responsibility", *Journal of Contemporary Comparative Legal Studies*, vol. 1, no. 1, pp. 61-89. [In Persian]
- Jourdain, Patrice (2015). *Principles of Civil Responsibility*, Translated by Majid Adib, Tehran: Mizan.
- Jourdain, Patrice (2015). *Principles of Civil Responsibility*, Translated by Majid Adib, Tehran: Mizan.
- Kaazemi, Mahmood (1391), «asr fe'l ziyaan dideh bar mas'ooliat madani 'amel ziyaan», faslnaameh didgaah haaye hoghoogh ghazaayi, no. 57. [In Persian]
- Katouzian, Naser (2012). *Qanun madani dar nazm e hoghoogh e konooni*, Tehran: Mizan. [In Persian]
- Katouzian, Naser (2012). *Vaqaye hoghooghi masooliat madani*, Tehran: Enteshar. [In Persian]
- Mazeaud-Henri, Léon et Jean (1998), *Leçons de Droit Civil, T.2 V.I Obligation*, 9e édition Par François Chabas, Paris, Montchrestien.
- Mazeaud-Henri, Léon et Jean (1998). *Leçons de Droit Civil, T.2 V.I Obligation*, 9e édition Par François Chabas, Paris, Montchrestien.
- Oğuzman, M. Kemal; Öz, Turgut (2018). *Borçlar Hukuku Genel Hükümler*, Cilt II, İstanbul: Vedat Kitapçılık.
- Oğuzman, M. Kemal; Öz, Turgut (2018). *Borçlar Hukuku Genel Hükümler*, Cilt II, İstanbul: Vedat Kitapçılık.
- Rostami, Hadi (2016). "Obtaining of causal relationship in the premise of intervention of multiple factors on felonies and damages (According to the Islamic Penal Code in 1392)", *Journal of Criminal Law Reserch*, vol. 4, no. 15. [In Persian]
- Saadeghi, Mahmood & Ra'di, Kaambiz & Eisaei'i Tafreshi, Mohamad (1387) «barresi feghhi zamaan ghahri mas'oolaan mot'aded», faslnaameh madres 'ooloom ensaani, vol. 12, no. 3. [In Persian]
- Saalehi, Sa'ideh & Safaayi, Seyed Hossein & 'Abaasloo, Bakhtiyaar (1395), «tahavolaat mas'ooliat madani naashi az fe'l ziyaanbaar ta'dod asbaab dar ghaanoon mojaazaat eslaami jadid 1392» faslnaameh 'elmi- pajhooheshi, daanesh hoghoogh madani, vol. 6, no. 2. [In Persian]
- Safai, Seyyed Hossein & Habibollah Rahimi (2008). *Civil liability (extra-contractual obligations)*, Tehran: University Tehran. [In Persian]
- Shahidi, Mehdi (2007). *Shoroot Zemn e Aqd*, Tehran: Majd. [In Persian]
- Tandoğan, Haluk (1981). *Türk Mes'uliyet Hukuku*, Ankara: Sevinç Matbaası.
- Tandoğan, Haluk (1981). *Türk Mes'uliyet Hukuku*, Ankara: Sevinç Matbaası.

- Tekinay, Selahattin Sulhi; Akman, Sermet; Burcuoğlu, Haluk; Altop, Atilla (1993). Tekinay Borçlar Hukuku, İstanbul: Filiz Kitabevi.
- Tekinay, Selahattin Sulhi; Akman, Sermet; Burcuoğlu, Haluk; Altop, Atilla (1993). Tekinay Borçlar Hukuku, İstanbul: Filiz Kitabevi.
- Viney, Geneviève La Responsabilité: Conditions, Traite de Droit Civil Sous Ladirection de J. Ghestin, T. 4.
- Viney, Geneviève. La Responsabilité: Conditions, Traite de Droit Civil Sous la direction de J. Ghestin, T. 4.

